

گزارش المانیتور از چشم انداز رابطه ایران و عربستان

به گزارش صدای تجارت، رسانه آمریکایی المانیتور نوشت: پکن در ماه جاری میزبان اولین نشست رسمی وزیرای خارجه ایران و عربستان سعودی بود. پیشرفت دیپلماتیک مطمئناً خبر خوشایندی است و فرصتهایی را در منطقه فراهم می‌آورد. با این حال، این توافق بر بسیاری از تحولات ژئوپلیتیک غیرمنتظره اخیر استوار است که ادراکات تغییر استراتژیک در کنار فاکتورهای مد نظر عربستان سعودی و ایران سبب شده که طرفین به این تصمیم برسند.

در ادامه این مطلب آمده است: دوام این توافق به همان اندازهی آیندهی فاکتورهایی که راه را برای انعقاد آن هموار کرده، نامشخص است. محرکها و تصورات/فرضهای کلیدی ای وجود داشت که منجر به این تغییر نگاه استراتژیک در تهران و ریاض شد:

اول، عدم اطمینان فزاینده در مورد نقش ایالات متحده در منطقه با توجه به خروج از افغانستان و چرخش استراتژیک به سمت آسیا که این تصور قوی را شکل داده است که نقش ایالات متحده در منطقه رو به افول است.

دوم، جنگ روسیه در اوکراین و این تصور که صرف نظر از نتایج جنگ، به چالش کشیدن نظم بین‌المللی توسط روسیه می‌تواند منجر به تغییرات استراتژیک بزرگی شود.

سوم، آینده برنامه هسته‌ای ایران بدون چشم‌اندازی برای توافق در کوتاه‌مدت که عمدتاً ناشی از حمایت تهران از جنگ روسیه در اوکراین و نحوه برخورد با معترضان بود؛ آخرین مورد هم، هرج و مرج سیاسی در ایران است.

ترکیب این عوامل باعث شده است که عربستان سعودی و ایران استراتژی‌های خود را برای تعامل با یکدیگر و همچنین در قبال سایر بازیگران (ایالات متحده، روسیه و چین) بازنگری و تنظیم کنند. گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد غنی‌سازی اورانیوم ایران در آستانه ۸۴ درصد به معنای نزدیک شدن ایران به خط قرمز آمریکاست که بر پیچیدگی شرایط می‌افزاید.

با توجه به گزینه‌های بسیار کم باقی مانده برای راه حل دیپلماتیک، منطقه در مسیری خطرناک قرار دارد، زیرا پتانسیل تشدید تنش نظامی افزایش می‌یابد. عدم اطمینان در منطقه خطر درگیری را افزایش می‌دهد، بنابراین هم عربستان سعودی و هم ایران منافع در کاهش تنش‌ها دارند.

تحركات ایالات متحده - دول خلیج فارس

ایالات متحده اعلام کرده و به شرکای خود اطمینان داده است که چرخش به آسیا به معنای ترک منطقه نیست. واشنگتن بر مقیاس و تعداد ظرفیت‌هایی که در راستای تعهدات امنیتی خود در منطقه حفظ خواهد کرد، تاکید کرده است. با این حال، تصورات زیادی در مورد کاهش حضور و نفوذ ایالات متحده در منطقه وجود دارد. در واقع، ادراکات می‌توانند قدرتمندتر از واقعیت‌ها باشند، زیرا تصمیم‌ها بر سر خط مشی را شکل می‌دهند، که سپس می‌تواند با ایجاد تحركات جدید بر واقعیت‌ها تأثیر بگذارد.

روابط ریاض و واشنگتن تحت فشار فزاینده‌ای قرار گرفته است. با کاهش حمایت ایالات متحده از جنگ‌های یمن و سوریه، رهبران سعودی نسبت به تضعیف شراکت امنیتی با واشنگتن نگران شده اند. از منظر عربستان، واکنش کم رمق آمریکا به حملات ایران علیه تأسیسات نفتی عربستان، این تصور را در میان سعودی‌ها و امارات‌ها تقویت کرد که ایالات متحده به خاطر حفاظت از منافع حیاتی شرکای منطقه‌ای خود، منافع خود را ذبح نخواهد کرد.

شکست کمپین فشار حداکثری دولت ترامپ علیه تهران در ایجاد هر گونه تغییر مثبت از دیدگاه عربستان، این تصور را در داخل سعودی تقویت کرد که واشنگتن ممکن است نتواند موضوع هسته‌ای با ایران را حل و فصل کند. این تحولات باعث شده است تا ریاض احساس امنیت کمتری داشته باشد و در نتیجه نیاز پیدا کند که مشارکت استراتژیک خود با سایر کشورها را برای پیگیری منافع ملی خود پیگیری کند، حتی اگر این امر بر روابط شان با ایالات متحده تأثیر بگذارد. ریاض از طریق تقویت شراکت خود با چین و روسیه و حمایت از استقلال اقتصادی خود، نشان داده است که متکی به منافع ایالات متحده نخواهد بود.

از منظر عربستان، یک چرخه تنش در گذشته باعث حمله به تاسیسات نفتی شد که نشان داد ایران علیرغم انزوا و توانایی‌های نظامی محدود می‌تواند هزینه‌های قابل توجهی را به سعودی وارد کند. از

آنجایی که شرایط کنونی حاکی از شروع یک چرخه بالقوه افزایش تنش است، ریاض نسبت به ضرورت کاهش تنش آگاه است. یک مقام ارشد سعودی نسبت به ضرورت تغییر "از روابط خصمانه به روابط بهتر"، بویژه با عنایت به تهدید ایران هسته ای، اذعان کرد. در داخل عربستان سعودی، این توافق همچنین به عنوان گامی در جهت تحقق برنامه توسعه چشم انداز ۲۰۳۰ و به عنوان تحقق "خواسته‌های عربستان برای احترام به حاکمیت و عدم مداخله" نگریسته شد.

سران ایران، جنگ در اوکراین و ظهور چین را به عنوان یک چالش مستقیم برای قدرت ایالات متحده و فرصتی برای ایجاد نظم چندقطبی منطقه‌ای می‌دانند. تهران حمایت خود را از مسکو از طریق تعمیق روابط نظامی و اقتصادی از جمله ارائه پهپادها و سبد سرمایه گذاری و تجاری رو به رشد نشان داده است. نخبگان سیاسی ایران ارزش سرمایه گذاری در رقابت استراتژیک قدرت‌های بزرگ را کمک به گذار از نظم بین المللی لیبرال به رهبری ایالات متحده به یک سیستم چند قطبی که دیگر تحت سلطه ایالات متحده نیست، می‌دانند.

برای ایران، عدم لغو تحریم‌ها و درگیری نظامی احتمالی، انگیزه‌اش را برای همکاری با شرکای خود در منطقه برای کاهش تنش‌ها تقویت کرده است، کاری که با عربستان سعودی، امارات متحده عربی و عراق انجام داده است. انگیزه‌های اقتصادی عمده‌ای وجود دارد که برای هر دو طرف همراه است. عادی سازی روابط منجر به کاهش ریسک و همچنین فرصت‌های تجاری و سرمایه گذاری بیشتر می‌شود. به گفته محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان، ارزش سرمایه گذاری بالقوه عربستان در ایران تا ۲۰ میلیارد دلار برآورد شده است. در حالی که چالش تحریم‌های ایالات متحده هنوز وجود دارد، سرمایه گذاری و همکاری می‌تواند در صنایع غیر تحریمی، از جمله در صنایع نوظهور - مانند ترانزیت و معدن - و در بخش انرژی آغاز شود.

ترسیم نزدیکی منطقه‌ای

این توافق موفقیت آمیز بود، زیرا عربستان سعودی و ایران توانستند مشوق‌های امنیتی و اقتصادی متقابل و ارزشمندی به یکدیگر ارائه دهند. پیشرفت در پکن پس از چندین دور گفتگو که در آوریل ۲۰۲۱ آغاز شد به دست آمد. چیزی که چندین دور مذاکره را نهایتاً به نتیجه رساند، کارتی بود که سعودی‌ها روی میز گذاشتند: نفوذ رسانه‌ای بر ناآرامی‌های سیاسی در ایران..

در طول پنج دور گفتگو، آتش بس در یمن به عنوان یک تکه‌ی مهم پازل باقی مانده بود، اما خواسته‌ها و پیشنهادات هرگز به اندازه کافی برای به نتیجه رساندن این توافق یک اندازه نبود. با این حال، با شروع اعتراضات در سراسر ایران در پاییز ۲۰۲۲، تهران با چالش بزرگی مواجه شد. ایران، اعتراضات را توطئه‌های غرب برای تغییر حکومت، دانست، اما تهران همچنین چندین رسانه را به دامن زدن به ناآرامی و به راه انداختن یک «جنگ رسانه‌ای» متهم کرد، از جمله ایران اینترنشنال وابسته به عربستان سعودی که پوشش ۲۴ ساعته اعتراضات را ارائه کرد.

مفاد توافق بین دو کشور شامل تعهد عربستان سعودی به توقف کمک مالی به ایران اینترنشنال بود - امتیازی بسیار ارزشمند برای تهران. به نوبه خود، ایران موافقت کرد که حمایت خود از حوثی‌ها در یمن را محدود کند، که از منظر سعودی نتیجه‌ای مطلوب بود.

نقش چین به عنوان واسطه نشان دهنده گذار به چند قطبی منطقه‌ای است. ریاض و تهران از پکن به عنوان یک شریک استراتژیک جدید با پیش بینی کاهش نقش آمریکا در منطقه استقبال کرده اند. طی نزدیک به دو دهه، تهران و پکن روابط اقتصادی و سیاسی عمیق تری برقرار کرده اند، از جمله توافقنامه همکاری استراتژیک ۲۵ ساله که در مارس ۲۰۲۱ امضا شد و عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای در سپتامبر ۲۰۲۲. عربستان سعودی، ایران و سایرین در منطقه در حال استقبال و پذیرش مفهوم "همسویی همه جانبه" (تلاش برای حفظ روابط با چندین قدرت بزرگ، به جای انتخاب یک یا هیچ کدام) هستند. در سناریویی که روابط آمریکا و چین «نامشخص» و «به‌طور فزاینده‌ای نابسامان» است، «همسویی همه‌جانبه» یک ابزار محافظتی مهم است.

حضور دیگر قدرت‌های بزرگ در منطقه به دولت‌ها در آنجا اجازه می‌دهد تا مشارکت‌های استراتژیک را متنوع کنند و خطر امنیتی ناشی از اتکای بیش از حد به هر یک از شرکای بزرگ را کاهش دهند. تحولات ژئوپلیتیکی اخیر باعث ایجاد نظم مجدد در محیط استراتژیک منطقه‌ای شده است و فرصت بیشتری برای چین و روسیه جهت گسترش نفوذ و دسترسی خود در خاورمیانه ایجاد کرده است.

باید در تفسیر موفقیت این توافق محتاط باشیم، زیرا عربستان سعودی، ایران و سایرین به شرط بندی خود بین شرق و غرب در فضای سیال فعلی ادامه خواهند داد. نتیجه‌ی همسویی ایران و عربستان در درازمدت در وهله اول به نتایج فاکتورهایی است که منجر به توافق

شد، بستگی دارد؛ یعنی برنامه هسته‌ای ایران و ناآرامی‌های سیاسی، آینده جنگ روسیه در اوکراین، روابط آمریکا و چین و ... اینکه آیا این‌ها منجر به نظم جهانی جدید می‌شود یا نه.